

**Qualitative meta-analysis on the conducted
researches in the field of MOOC
(Massive Open Online Courses)**

Esmail Jafari

PhD, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Kouros Fathi vajargah

Professor, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Mahboobeh Arefi

Associate professor, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Morteza Rezaei Zadeh

Assistant professor, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Abstract

Since 2008, MOOC as an educational tool is not only used by educational institutions and also universities and it is interesting subject for many scholars and researchers. The aim of the current research was to provide a comprehensive picture of the conducted researches in the field of MOOC. In order to achieve the aim, the qualitative meta-analysis was used to examine and analyze 40 research in the field which each of them had a different perspective and methodology. The results showed that all conducted researches have predominant features both structurally, methodologically and contextually. Theoretical orientation of more than half the researches were based on connectivist paradigm which indicated that if Iranian educational institutions and universities want to implement MOOC, it need to transform structuralism paradigm to connectivist paradigm. Namely, education and higher education policies should move towards an approach which is based on dialogue, interaction, knowledge creation and emergent learning processes.

Keywords: MOOC (massive online open course), meta-analysis, connectivism.

**فرا تحلیلی کیفی بر پژوهش‌های انجام شده در زمینه
موک (دوره‌های فراگیر گسترده آن لاین و باز)**

اسماعیل جعفری*

دانش‌آموخته دکتری، برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران.

کوروش فتحی واجارگاه

استاد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران.

محبوبه عارفی

دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران.

مرتضی رضایی‌زاده

استادیار، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران.

چکیده

از سال 2008 تاکنون، موک به‌عنوان یک ابزار آموزشی توسط مؤسسات آموزشی و آموزش عالی به فراوانی مورد استفاده قرار گرفته و استقبال از آن چشمگیر بوده است. نه فقط مؤسسات آموزشی از آن به‌عنوان یک ابزار آموزشی اثربخش در دوره‌های آموزشی و پژوهشی خود استفاده کرده‌اند بلکه پژوهشگران مختلفی نیز به بررسی موک از زوایای مختلفی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر درصدد بود تا تصویر جامعی از سیمای این پژوهش‌ها ارائه دهد. به‌منظور نیل به این هدف، از فراتحلیل کیفی استفاده شد و 40 پژوهش که هر کدام به‌نوعی به بررسی و واکاوی جنبه‌های مختلف موک پرداختند، ارزیابی و بررسی شدند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که پژوهش‌های انجام شده هم از حیث ساختاری و روش‌شناختی و هم از حیث محتوایی دارای ویژگی‌های برجسته‌ای بودند که باید مد نظر قرار داد. جهت‌گیری نظری بیش از نیمی از پژوهش‌ها مبتنی بر پارادایم پیوندگرایی بود که این مسئله را القا می‌کند که اگر نظام آموزشی و آموزش عالی کشورمان درصدد پیاده‌سازی و کاربست موک در آموزش‌های خود است لازم است تا نگاه ساختارگرایانه و سنتی خود را تغییر داده و به سمت نگاه مبتنی بر گفت‌وگو، تعامل، خلق دانش و آموزش و یادگیری از طریق فرایندهای در حال شدن حرکت کنند.

واژه‌های کلیدی: فراتحلیل کیفی، موک، پارادایم ساختارگرایانه، پارادایم پیوندگرایی، پارادایم انتقادی.

مقدمه

عصر امروز را عصر فناوری اطلاعات می‌نامند که اطلاعات و دانش به‌عنوان سرمایه‌ای مهم و تعیین‌کننده در جوامع تلقی می‌شوند. قاعدتاً در چنین فضایی، فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان ابزار و رویکردی حیاتی می‌توانند به انطباق هر چه بیشتر فرد و جامعه با تغییرات دانشی و اطلاعاتی کمک کنند.

اواخر دهه 1990 هنگامی که فناوری اطلاعات و ارتباطات توانسته بود در جامعه بر تمامی جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تأثیر داشته باشد، بسیاری از متخصصان در حوزه‌های مختلف مطالعاتی تصمیم گرفتند تا از این فناوری برای پیشبرد امور جامعه استفاده کنند (Valimaa and Ylijoki, 2008). لازمه چنین مهمی طراحی نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای کاربردی بود. در این میان یکی از حوزه‌هایی که به‌شدت از فناوری اطلاعات و ارتباطات تأثیر پذیرفت، آموزش و یادگیری بود (Drlik, & Skalka, 2011; Tess, 2013). در واقع، مؤسسات آموزشی و آموزش عالی با چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شده‌اند. چراکه علی‌رغم ورود خیل عظیمی از متقاضیان آموزش عالی به دانشگاه‌ها، امکانات و فضاهای آموزشی و پژوهشی لازم برای این افراد وجود ندارد؛ اما با گسترش روزافزون دانشگاه‌های مجازی و دوره‌های آموزش از راه دور و حتی دوره‌های آموزش برخط، دانشجو بدون نیاز به حضور فیزیکی و حتی بدون نیاز به این‌که در یک برنامه زمانی خاص در کلاس حضور یابد می‌تواند از طریق ابزارها و امکاناتی که در اختیار او قرار می‌گیرد از آموزش‌های درسی و دانشگاهی منتفع شود (Kaplan and Heanlein, 2016).

«با فراهم شدن چنین شرایطی، محتوای آموزشی از طریق نرم‌افزارهای مختلف مدیریت دروس، منابع چندرسانه‌ای، اینترنت و ویدئوکنفرانس به دانشجو ارائه می‌شود و از طریق امکانات ارتباطی، فراگیران با یکدیگر و با استاد خود، ارتباط برقرار می‌کنند» (Seraji et al, 1387). هدف از این آموزش‌ها، تحقق دسترسی تمام افراد

بدون محدودیت زمانی و مکانی به آموزش است. کسانی که به دلایلی مانند دوری مسافت، توانایی حضور منظم و فیزیکی در کلاس‌ها را ندارند و نیاز به برخورداری از انعطاف بیشتری در این زمینه هستند به نحو احسن می‌توانند از این برنامه‌ها استقبال کرده و آر دنیای آموزش بهره‌مند شوند (Drlik, & Skalka, 2011). یکی از انواع این آموزش‌های برخط، موکیا (Massive Open Online Course) است. موک، یک دوره برخط گسترده با دسترسی آزاد و فراگیر برای همه است.

از نظر لغوی موک به دوره‌های فراگیر برخط و باز گفته می‌شود. فراگیر است چراکه در آن واحد هزاران نفر بدون محدودیت تعداد می‌توانند از دوره‌های آن استفاده کنند؛ برخط است چراکه نیاز به دسترسی به اینترنت و شبکه‌های مجازی دارد و باز است به این معنی که افراد بدون محدودیت و نیاز به ثبت‌نام‌های رسمی و غالباً به‌صورت رایگان می‌توانند در آن دوره‌ها شرکت کنند. به گفته بسیاری از متخصصان حوزه فناوری‌های آموزشی، موک توانسته است تحول عظیمی در سازوکارها و دیدگاه‌های حاکم در آموزش ایجاد کند (Kaplan and Heanlein, 2016).

در دنیای آموزش اینترنتی، سرواژه "MOOC" واژه جدیدی نیست، این اصطلاح در سال 2008 در خصوص دوره آموزشی اینترنتی در بحث "پیوندگرایی و دانش ارتباطی" از سوی دانشگاه مانی‌توبا پیشنهاد گردید (Zimmerman, 2011). به دنبال ماهیت حرکت آموزش افزار فراگیر، دانشگاه فوق‌همچنین دوره آموزشی فوق را برای مستمعان آزاد اینترنتی برگزار کرد و بیشتر از 2000 دانشجو در این دوره ثبت‌نام کردند (Kaplan and Heanlein, 2016). عبارت MOOC اولین بار توسط جورج زیمنس و استفن داونز در سال 2008 مورد استفاده قرار گرفت و از آن زمان به بعد محبوبیت رو به افزایشی بخصوص در آمریکا پیدا کرد و امروزه هرکسی با دسترسی به اینترنت می‌تواند در یکی از MOOCها شرکت کند و به منابع آنها دسترسی یابد، با سایر

مشخص دارد و فراگیر دقیقاً در راستای آن ساختار حرکت کرده و به شدت متأثر از آن است. به گونه‌ای که نه می‌تواند آن ساختار را تغییر دهد و نه خود در کم و کیف روند یادگیری خود، نقش فعال و سازنده‌ای را دارد. بدیهی است که در چنین پارادایمی، معلم بیشتر نقش انتقال دانش را بر عهده می‌گیرد. گویی که معلم دربردارنده منابع گسترده‌ای دانش و اطلاعات است و باید آن را به ذهن فراگیران خود منتقل کند و فراگیران نیز آن دانش و اطلاعات را منفعلانه دریافت می‌کنند (Siemens, 2013).

یادگیری در این پارادایم، موضوع محور است. بدین معنی که انتظار می‌رود که فراگیر در پایان دوره آموزشی خود و یا در هر مرحله از آن، به توانایی‌ها، نگرش‌ها و دانش‌هایی که از قبل مشخص شده‌اند دست یابند و چگونگی کسب این دانش و پردازش آن مغفول می‌ماند. دانش و اطلاعات، واقعیتی عینی تصور شده که بر قوانین جهان شمول علمی استوار هستند. با این اوصاف، نگرش ساختارگرایانه یک نگرش سنتی در دنیای یادگیری و آموزش است که نقش معلم و برنامه‌های آموزشی را تعیین‌کننده و نقش فراگیر را منفعل و دریافت‌کننده اطلاعات می‌داند (Moore, 2004).

پارادایم پیوندگرایانه

پیوندگرایی نیز یکی از فلسفه‌ها و پارادایم‌های مطرح در آموزش و یادگیری است که تاریخچه آن به نگاه ایدئالیست‌ها، نظریه‌پردازان تفسیری، هرمنوتیک و فیلسوفان سازنده‌گرا بر می‌گردد (Siemens, 2013). در این نگاه، انسان موجودی آزاد و انتخاب‌گر دانسته می‌شود که تمام زندگی خود را بر اساس آزادی و انتخاب‌هایش رقم می‌زند؛ بنابراین، آنچه در تحلیل رفتار و عملکرد انسان مهم است، نه تعیین‌کننده‌های ساختاری و فرهنگی بلکه انتخاب‌های راهبردی افراد است. بر این اساس، فرآیند آموزش و یادگیری برای چنین موجودی نمی‌تواند فرایندی از پیش تعیین‌شده و مشخص باشد. شوفان و مکنز (Tschofen and Mackness, 2012) خاطر نشان می‌کنند که پیوندگرایی تلاش دارد تا یادگیری را در

دانشجویان و افراد شرکت‌کننده تعامل برقرار سازد و داشته‌ها و آموخته‌های خود را با آنها به اشتراک گذارد.

بین سال‌های 2008 تا 2011، تعدادی از مؤسسات آموزشی و دانشگاه‌ها، با استفاده از موک، دوره‌هایی آموزشی را برگزار کردند که هیچ پیش‌نیازی برای نام‌نویسی نداشتند و هیچ محدودیت ثبت نامی وجود نداشت، از تسهیلات دانشگاهی نسبتاً اندکی برخوردار بودند، اما هیچ مدرک دانشگاهی را ارائه نمی‌کردند (Smutz, 2013). به دنبال آن نخستین MOOC ثبت شده در آمریکا در سال 2011، با نام واحدی به نام "یادگیری برخظ امروز و فردا" که با بیش از 2500 دانشجو توسط دانشگاه الینوی اسپرینگفیلد ارائه شد، ظهور پیدا کرد (Round, 2013).

تاکنون گونه‌ها و شکل‌های مختلفی از موک طراحی و عرضه شده است که هر کدام از آنها دربردارنده نظام فکری و پارادایم معرفت‌شناسانه خاص خود هستند (Lederman, 2013) که تمامی این پارادایم‌ها را می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی و تقسیم کرد که عبارتند از: پارادایم ساختارگرایانه؛ پارادایم پیوندگرایانه و پارادایم انتقادی

پارادایم ساختارگرایانه

این پارادایم منعکس‌کننده همان نگاه سنتی به آموزش و تدریس است که سال‌ها در فرآیندهای آموزش و برنامه‌ریزی آموزشی حاکمیت داشته است (Moore, 2004). بر اساس این نگاه، انسان موجودی است که به شدت از محیط پیرامون خود تأثیر پذیرفته است و رفتارها و عملکرد وی توسط عوامل ذهنی و عینی محیط بیرونی تعیین شده است و بنابراین، در راستای همان نشانگرها و عوامل تعیین‌کننده حرکت می‌کند. از طرفداران این پارادایم در جامعه‌شناسی، امیل دورکیم بود که معتقد بود که حتی بیشتر رفتارهایی که اختیاری و ارادی پنداشته می‌شوند (مانند خودکشی)، خود، متأثر از ساختارهای کلان اجتماعی و فرهنگی است؛ بنابراین، آموزش و یادگیری نیز ساختاری از پیش تعیین‌شده و

توانمندسازی گروه‌های به حاشیه رانده شده و افزایش کنترل آنها بر منابع اقتصادی و فرهنگی است. این نظریه‌پردازان که عمدتاً به تحلیل ساختار اجتماعی و تاریخی جوامع می‌پردازند، بر این باورند که جوامع امروزی، جوامعی چندملیتی، چندفرهنگی با تنوع نژادی و قومی فراوان است و صحبت کردن از فرهنگ غالب یا فرهنگ مشترک صرفاً به معنی القا و تحمیل فرهنگ گروه مسلط جامعه بر اقلیت‌ها است (Moore, 2004).

اگرچه که در میان نظریه‌پردازان انتقادی نیز تفاوت‌هایی نسبت به موضع‌گیری‌شان وجود دارد برای مثال عده‌ای از آنها، رادیکال یا تندرو بوده و خواستار ایجاد تغییر در تمامی ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... به نفع اقلیت‌های جامعه می‌باشند و درصدد آن هستند که اقلیت‌ها باید بر منابع اقتصادی و فرهنگی یک جامعه چیره شوند، اما عده‌ای دیگر از آنها نیز تنها خواستار ایجاد حقوق برابر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی با اکثریت جامعه هستند؛ بنابراین، توجه آنها به آموزش و یادگیری نیز بیشتر مبتنی بر تغییر برنامه درسی، آموزش‌ها و ارزیابی‌های آموزشی است که از طریق آن بتوان تنوع فرهنگی را بازتاب داده و فرصت و توزیع برابری از امکانات مختلف برای همه فراهم شود. در واقع، اصول محوری آموزش و یادگیری آنها مبتنی است بر ارائه مفاهیمی از خرده‌فرهنگ‌ها، مشارکت بیشتر اقلیت‌ها در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و درسی، داشتن دیدگاهی باز نسبت به تمامی نقطه نظرات و دیدگاه‌ها، استفاده از چندین زبان محلی و قومی در کنار زبان رسمی آموزش، توجه به سبک‌های یادگیری متفاوت دانش‌آموزان و ایجاد آموزشی مبتنی بر تمامی آن تفاوت‌ها. خمیرمایه این برنامه‌ها مبتنی است بر آگاه کردن دانشجویان نسبت به جایگاه خود در نظام اجتماعی، می‌توان آگاهی‌ها و انگیزه‌های لازم را برای آنها فراهم آورد تا درصدد ایجاد تحول در ساختارهای اجتماعی گام بردارند (Zimmerman, 2011).

بافتی در حال شدن و نه از پیش تعیین‌شده قرار دهد که دانش در آن خلق و ایجاد می‌شود و اطلاعات و دانش در یک سیر دیجیتالی رشد و دوام می‌یابند (Kop, 2011). در چنین بافتی، کمیت و کیفیت یادگیری رشد فزاینده‌ای دارند و دائماً در حال تغییر و تحول هستند. از این‌رو، مربیان نه به‌عنوان افرادی که وظیفه انتقال دانش از پیش تعیین‌شده و غنی را دارند نگریسته می‌شوند بلکه به‌عنوان تسهیلگران فرایند یادگیری و خلق دانش در حال شدن نگریسته می‌شوند. دانشجو یا فراگیر نیز در جریان کسب و خلق دانش نقش بسیار فعالی را بر عهده دارد که با کمک و راهنمایی مربی و فضای آموزشی خود می‌تواند دانش را خلق و بازسازی کند (Kop, 2011). تغییر در این نگاه، به معنی حرکت از سوی موضوع محوری به فرآیند محوری نیز است. بدین معنی که اگر در نگاه ساختارگرایانه، موضوعی از پیش تعیین‌شده وجود دارد که فراگیر باید بدان دست پیدا کند و یا مهارتی که دانشجو به آن مجهز شود، در نگاه پیوندگرایانه، خود تعامل دانشجو با یکدیگر و با اساتید خود و چگونگی خلق دانش، مهم تلقی می‌شود. جدول زیر، مقایسه‌ای تطبیقی بین نگاه ساختارگرایانه و پیوندگرایانه انجام داده است.

پارادایم انتقادی

طرفداران این رویکرد معتقدند که تمامی سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی و درسی مدارس و دانشگاه‌ها در راستای تحکیم سلطه‌جویی طبقه مسلط جامعه شده و تربیت و آموزش موجب بازآفرینی روابط اجتماعی می‌شود (Moore, 2004). در همین‌جا است که آموزش‌های مدرسه‌ای و دانشگاهی بیشتر مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی سفیدپوستان، مردان و به‌طور کلی طبقات مسلط جامعه است.

بر اساس رویکرد انتقادی و پست‌مدرن، آموزش بدون ایجاد تغییرات بنیادی در سیاست‌های موجود در یک جامعه فقط می‌تواند یک شکل دیگر از روابط موجود را در درون جامعه ایجاد کند و تغییری در محتوا و بافت ارتباط ایجاد نمی‌کند. در واقع، هدف اساسی رویکرد انتقادی،

جدول 1

انتقادی	پیوندگرایی	ساختارگرایی	
رهایی بخش که سعی می‌کند فراگیران را نسبت به مسائل سلطه‌خو آگاه کند.	تسهیل‌کننده که فرایند یادگیری فردی را برمی‌انگیزاند	آموزش دهنده که یک دوره استاندارد برای تمامی دانشجویان طراحی می‌کند.	مربی
یادگیرندگان فعال و خودآگاه	یادگیرندگانی فعال	یادگیرندگانی منفعل	فراگیران
مواد و منابع آموزشی در راستای برنامه درسی پنهان و متمرکز بر قدرت و سلطه	محتوای تولیدشده به صورت مشارکتی بدون برنامه درسی رسمی با استفاده از سبک سمینار بدون ارزیابی	محتوای از پیش تعیین شده بر اساس برنامه رسمی با استفاده از سبک سخنرانی و ارزیابی همسالان	مواد و منابع آموزشی
الگوی بدون ساختار و مبتنی بر رهایی بخشی حاشیه‌ها	الگوی بدون ساختار بر مبنای یادگیری مداوم	الگوی ساختاریافته با فصل‌های منظم و در دوره زمانی مشخص	الگو
تمرکززدایی مبتنی بر توانمند کردن افراد در حاشیه	تمرکززدایی فرایند محتوای شبکه	تمرکزگرایی در تولید محتوا در یک مکان مشخص	محتوا

پژوهش‌های مختلفی را به انجام رسانده‌اند اما این پژوهش‌ها تا چه اندازه توانسته‌اند که چارچوب ژرف و قابل اعتمادی برای سیاست‌گذاری‌های علمی و کلان فراهم کنند؟ این پژوهش‌ها تاکنون چه دستاوردهای داشته‌اند؟ برآیند کلی این پژوهش‌ها چه بوده است؟ جهت و رویکرد نظری و روش‌شناختی آنها به چه سمت و سویی بوده است؟ پژوهش حاضر بر آن بود تا پاسخی روشن به این سؤالات ارائه دهد.

1. وضعیت پژوهش‌های موک از حیث ساختاری و روش‌شناختی چگونه بوده است؟
2. وضعیت پژوهش‌های موک از حیث محتوایی چگونه بوده است؟

به‌منظور پاسخگویی به این سؤالات از روش فراتحلیل کیفی استفاده شد و تعداد 40 پژوهش که به بررسی کم و کیف موک پرداخته بودند، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفتند. از آنجا که تاکنون هیچ پژوهشی در ایران به بررسی این مسئله نپرداخته بودند، پژوهش‌هایی که در

از سال 2008 تاکنون، نه فقط موسسه‌های آموزشی و دانشگاه‌های مختلفی از دوره‌های موک استفاده کرده‌اند و با استقبال چشمگیر مخاطبان نیز روبه‌رو شده‌اند، پژوهش‌های مختلفی نیز بررسی کم و کیف موک از زوایای مختلف و از نگاه‌های نظری گوناگون پرداخته‌اند. با توجه به اینکه موک به‌عنوان یک موج فناوریانه رشد گسترده و استقبال کم‌نظیری داشته است و با توجه به اینکه دانشگاه‌های ایرانی و مؤسسات آموزشی وابسته به آن همواره درصد پیاپی کرده‌اند، اجرای دوره‌های آموزشی برخط و مجازی بوده‌اند، رشد فزاینده‌تری نیز چه در ایران و چه در سایر نقاط جهان قابل پیش‌بینی خواهد بود. استفاده از چنین دستاوردهای در نظام آموزشی و آموزش عالی کشور و بازتاب آن در برنامه‌های آموزشی و درسی مدارس و دانشگاه‌ها نیازمند درک عمیق ترسیم تصویر جامعی است که با تکیه بر آن بتوان برنامه‌ریزی‌های مناسب انجام داد که چنین درک و تصویری از طریق پژوهش‌های تجربی متعدد و گسترده حاصل می‌شود. در این راستا، نزدیک به یک دهه است که پژوهشگران مختلفی به کنکاش و واکاوی موک پرداخته‌اند و

روایت متفاوتی از پدیده نیست بلکه تنها می‌خواهد پدیده پژوهش را بر اساس جریان معمول آن توصیف کند. از آنجا که هدف از پژوهش حاضر نیز ترسیم سیمای پژوهش‌های موک و نه ترسیم نکته‌های انتقادی و یا روایت‌های متفاوت از آن بود از این روش نمونه‌گیری استفاده شد.

به‌منظور دستیابی به داده‌های مورد نیاز پژوهش، چک‌لیستی با 16 سؤال طراحی و تنظیم و بر مبنای کدگذاری‌ها و حاشیه‌نویسی‌های انجام شده، مؤلفه‌های پرسشنامه در ارتباط با هر اثر تکمیل شدند. شایان ذکر است که پژوهشگر پس از مطالعه دقیق هر اثر، چک‌لیست مربوطه در ارتباط با آن اثر را تکمیل کرده و در نهایت داده‌های این چک‌لیست هر اثر، مقایسه و بررسی شدند.

یافته‌ها

وضعیت پژوهش‌های موک از حیث ساختاری و روش‌شناختی چگونه بوده است؟

قالب آثار

بنابر آنچه پیش‌تر گفته شد، تمامی پژوهش‌هایی که در این پژوهش مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند، در مجموع 40 پژوهش بوده است که از این 40 پژوهش، 26 پژوهش (65٪) مقاله علمی پژوهشی، 8 پژوهش (20٪)، مقاله همایشی و 6 پژوهش (15٪) نیز پایان‌نامه بوده‌اند.

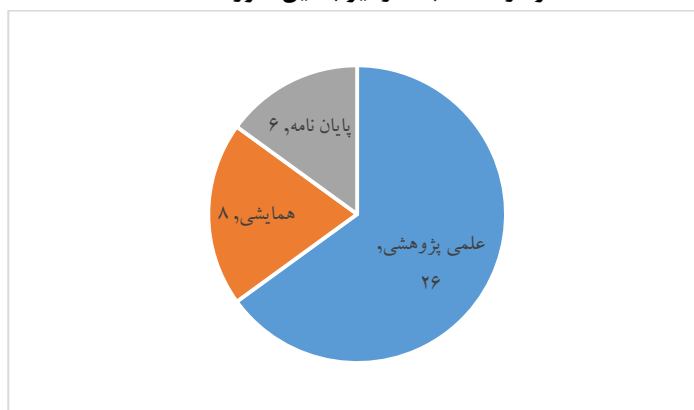
این فراتحلیل مورد استفاده قرار گرفته‌اند تماماً پژوهش‌هایی خارج از ایران بوده‌اند.

روش‌شناسی

هدف از پژوهش حاضر، ترسیم سیمای پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه موک بود. به‌منظور نیل به این هدف، از روش فراتحلیل کیفی استفاده شد.

جامعه پژوهش در این فراتحلیل، تمامی تحقیقات و پژوهش‌های تجربی انجام گرفته در حوزه موک در دنیا بود که با مراجعه به سایت‌های (scopus، sciencedirect)، oecd-ilibrary، springer، wiley، sagepub، proquest، Taylor and Francis، jstor) انتخاب شدند. در واقع، هر پژوهشی که در سایت‌های مزبور منتشر شده بودند، به‌عنوان جامعه پژوهش مورد نظر قرار گرفتند. شایان ذکر است که بازه زمانی مورد نظر برای انتخاب این مقالات از سال 2013-2016 بود. پس از مراجعه به تمامی پایگاه‌های اطلاعاتی یادشده در اینترنت، تعداد 72 پژوهش یافت شد در این میان، 32 پژوهش شامل مقالات علمی- مروری یا نظری صرف بودند که از این پژوهش کنار گذاشته شدند و 40 پژوهش به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. انتخاب این نمونه بر مبنای روش نمونه‌گیری هدفمند معمول بود. هدف از این نمونه‌گیری، توصیف روال‌ها و جریان‌های عادی و معمولی حاکم بر پدیده است. به‌عبارتی دیگر، پژوهشگر درصدد توصیف نگاه و

نمودار 1: قالب آثار نیز به این صورت است.



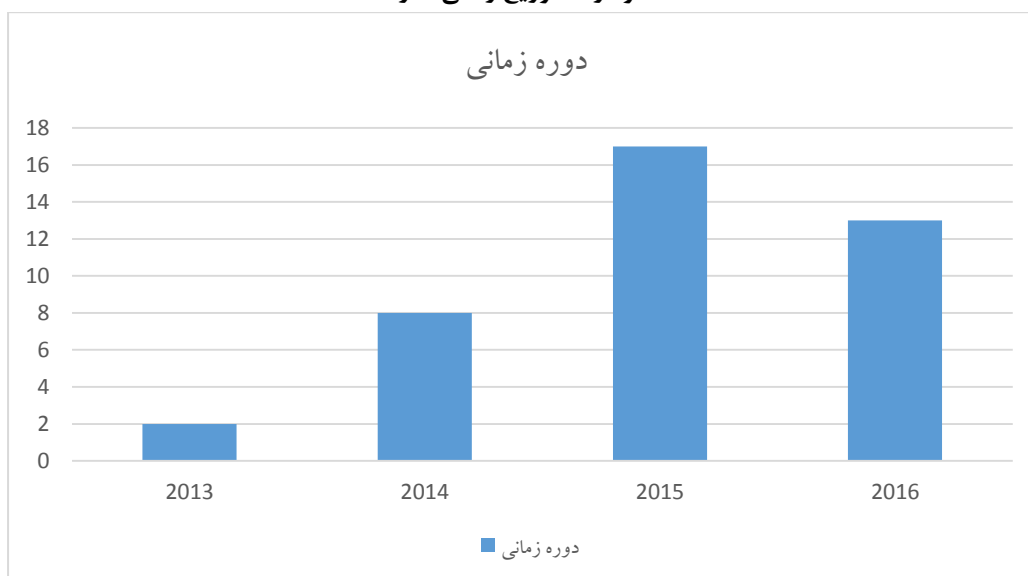
1. دوره زمانی

اگرچه که مطرح شدن موک به‌عنوان سازوکاری برای آموزش و یادگیری از سال 2008 مطرح شده است اما عملاً تحقیق و تفحص درباره آن با اندکی تأخیر آغاز شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، از سال 2014 موج تازه‌ای از تحقیقات گسترده درباره موک آغاز می‌شود و تا قبل از آن، هر ساله تحقیقات انگشت‌شماری به این مسئله پرداخته‌اند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد تعداد پژوهش‌های انجام شده در سال 2013، 2 پژوهش (5٪)، در سال 2014، 8 پژوهش (20٪)، در سال 2015، 17 پژوهش (42/5٪) و در سال 2016 نیز 13 (32/5٪) پژوهش بوده است.

بر اساس یافته‌های به دست آمده از جدول قبل، 65 درصد پژوهش‌های انجام شده در قالب علمی پژوهشی بوده‌اند که خود نشان از جایگاه مناسب موک در تحقیقات و مقاله‌های علمی پژوهشی است اما نکته قابل تأمل تعداد بسیار محدود پایان‌نامه‌هایی است که به این موضوع اختصاص یافته است که نشان می‌دهد که اگرچه پژوهشگران مختلف سعی داشته‌اند که در قالب مقاله‌های علمی پژوهشی به بررسی و واکاوی ابعاد مختلف موک بپردازند اما کمتر حاضر شده‌اند این مسئله را به‌طور جدی و در قالب پایان‌نامه به آن بپردازند. البته این مسئله با توجه به نوپا بودن تحقیقات موک و حتی مطرح شدن جهت‌گیری عملیاتی و اجرایی در دنیای آموزش می‌تواند تا حدی طبیعی باشد اما در حال حاضر، پایان‌نامه‌های انگشت‌شماری به مسئله موک پرداخته‌اند.

نمودار 2: توزیع زمانی آثار

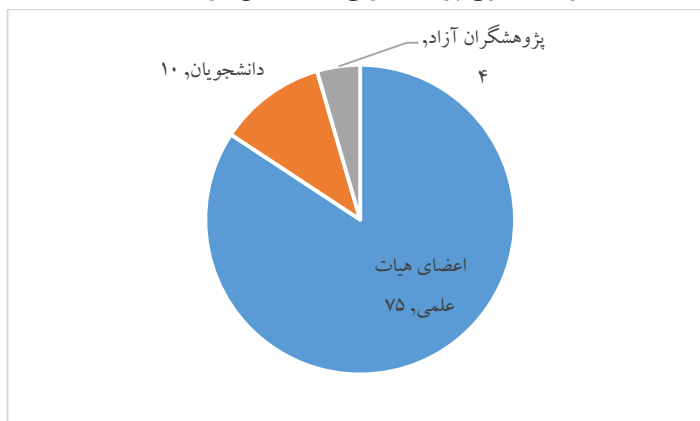


2. ویژگی نویسندگان

در پژوهش‌های موک، 89 نویسنده و پژوهشگر نقش آفرینی داشته‌اند که در این میان، 75 نفر (84/2٪) اعضای هیئت علمی، 10 نفر دانشجو (11/2٪) و 4 نفر نیز پژوهشگر آزاد (11/2٪) بوده‌اند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که پژوهش درباره موک سیر صعودی داشته است و با وجود این که سال 2016 هنوز در جریان است و به پایان نرسیده است اما نزدیک به 32 درصد از تحقیقات موک را به خود اختصاص داده است که خود قابل تأمل است.

نمودار 3: نوع پژوهشگران را مشخص کرده است.



داشته‌اند اما به همان اندازه دانشجویان و سایر پژوهشگران در این حوزه کم‌کار بوده‌اند.

3. رویکرد تحقیقی آثار

در تمامی پژوهش‌هایی که در این فراتحلیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند، از دو رویکرد کمی یا کیفی استفاده شده است و تاکنون از پژوهش آمیخته استفاده نشده است. از 40 تحقیق انجام شده، 28 تحقیق دارای رویکرد کمی و 12 تحقیق نیز کیفی بوده‌اند.

بر اساس یافته‌های بالا، 84/2 درصد از پژوهشگرانی که به بررسی موک پرداخته‌اند، اعضای هیئت علمی هستند که خود نشان از نگاه تخصصی و فنی به مسئله است اما مشارکت بسیار ضعیف دانشجویان و پژوهشگران آزاد در این پژوهش‌ها عملاً امکان بهره‌گیری از نگاه‌های متفاوت‌تر و همچنین استفاده از رویکرد میان‌رشته‌ای را با مشکل مواجه ساخته است. بر این اساس، اگرچه اساتید سهم شگفت‌انگیز و تحسین‌برانگیزی در پژوهش‌های موک

جدول 2: روش‌های تحقیق مورد استفاده در آثار

رویکرد تحقیق	روش تحقیق	فراوانی	درصد فراوانی
رویکرد کمی	توصیفی - پیمایشی	24	60%
	همبستگی	2	5%
	آزمایشی و شبه آزمایشی	2	5%
رویکرد کیفی	قوم‌نگاری	2	5%
	پدیدارشناسی	3	7/5%
	مطالعه موردی	7	17/5%

ناگسستگی دارد و درک و واکاوی آن ارزش‌ها و فرهنگ از طریق پژوهش‌های کیفی به دست می‌آید.

4. ابزارهای گردآوری داده‌ها

در پژوهش‌های انجام شده، در مجموع، از ابزارهای مختلفی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است که هرکدام از آنها، به تفکیک روش‌های کمی و کیفی، آورده شده‌اند.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که سهم پژوهش‌های کیفی 30 درصد بوده و تحقیقات کمی نیز 70 درصد که در این میان، 60 درصد پژوهش‌ها، پژوهش توصیفی - پیمایشی بوده‌اند که تمام این یافته‌ها نشان از حاکم بودن سیطره کمی و اثبات‌گرایانه بر این تحقیقات است. این در حالی است که موک اساساً و در ابتدا بر اساس نگاه پیوندگرایانه طراحی و اجرا گردید که بر اساس این نگاه، دانش فرآیندی ذهنی بوده که با ارزش‌ها و فرهنگ پیوندی

جدول 3: ابزارهای گردآوری داده‌های تحقیق

درصد فراوانی	فراوانی	ابزار گردآوری داده‌ها	رویکرد تحقیق
60٪	24	پرسشنامه	رویکرد کمی
5٪	2	چک‌لیست مشاهده	
2/5٪	1	مقیاس سنجش عملکرد	
2/5٪	1	مصاحبه نیمه سازمان یافته	
15٪	6	مصاحبه	رویکرد کیفی
10٪	4	بررسی اسناد	
2/5٪	1	مشاهده	
2/5٪	1	پرسشنامه باز	

5. روش تجزیه و تحلیل

در تحقیقاتی که به بررسی کم و کیف موک پرداخته‌اند، از آزمون‌ها، فن‌ها و روش‌های مختلفی نیز برای تحلیل داده‌های پژوهش استفاده شده است که در جدول 4 به تفکیک تحلیل‌های کمی و کیفی مشخص شده‌اند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود از تمامی ابزارهایی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند، پرسشنامه دارای بیشترین فراوانی بوده است که البته با توجه به حجم گسترده تحقیقات کمی در پژوهش‌های موک، این یافته‌ها دور از ذهن نیست.

جدول 4: ابزارهای گردآوری داده‌های تحقیق

درصد فراوانی	فراوانی	روش تحلیل داده‌ها	رویکرد تحقیق
6/81٪	3	تحلیل معادلات ساختاری	رویکرد کمی
43/18٪	19	فراوانی و درصد	
9/09٪	4	تحلیل واریانس	
11/36٪	5	آزمون تی	
2/27٪	1	همبستگی پیرسون	
2/27٪	1	روش تحلیل محتوا	رویکرد کیفی
22/72٪	10	روش تحلیل تم	
2/27٪	1	روش تحلیل بر اساس الگوی گلاسر	

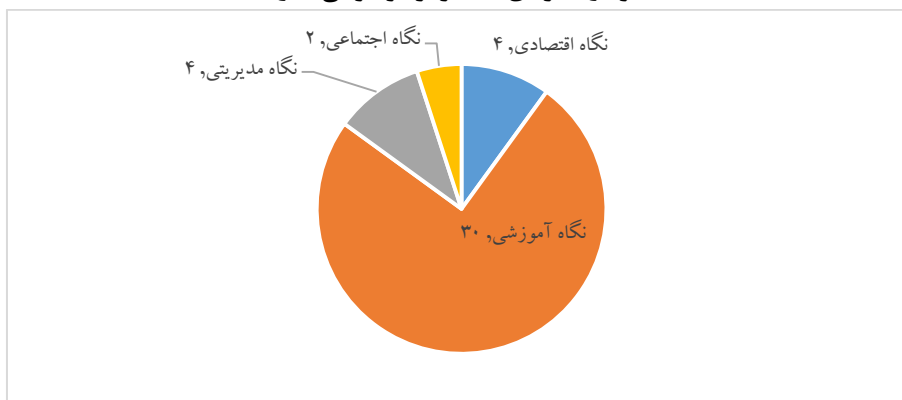
وضعیت پژوهش‌های موک از حیث محتوایی شناختی چگونه بوده است؟
تمرکز موضوعی آثار
تمامی پژوهش‌هایی که در این فراتحلیل مورد بررسی قرار گرفتند بر چند موضوع محوری متمرکز شده‌اند که در جدول 5 و نمودار 4 هر کدام از موضوعات و فراوانی آنها مشخص شده است.

بیشتر تحقیقات انجام شده صرفاً از آمار توصیفی و در حد فراوانی و درصد فراوانی استفاده کرده‌اند و استفاده از تحلیل‌های پیچیده‌تر کمی و کیفی چندان مقبول این پژوهشگران قرار نگرفته است. البته با توجه به پیچیده‌تر شدن مسئله موک و ارتباط فزاینده آن با سایر مقوله‌های آموزشی و اجتماعی، انتظار می‌رود که از تحلیل‌های پیچیده‌تری نیز استفاده شود.

جدول 5: تمرکز موضوعی آثار

تمرکز موضوعی آثار	فراوانی	درصد
رویکرد اقتصادی به موک	4	٪10
رویکرد آموزشی به موک	30	٪75
رویکرد مدیریتی به موک	4	٪10
رویکرد اجتماعی به موک	5	٪5
تعداد کل	40	

نمودار دایره‌ای 4. تمرکز موضوعی آثار



همان‌گونه که در نمودار و جدول بالا مشخص شده است، 75 درصد از پژوهش‌هایی که به بررسی موک پرداخته‌اند از منظر آموزش و پداگوژی به مطالعه آن پرداخته‌اند. بدین معنی که بر موضوعاتی مانند دستاوردهای آموزشی موک، شناسایی مشکلات پیش روی دوره‌های آموزشی موک، افزایش کیفیت آموزش و یادگیری در دوره‌های موک و سنجش میزان پیشرفت تحصیلی فراگیران متمرکز شده‌اند که به نوعی مشخصه آموزش و یادگیری در آنها پررنگ‌تر است. دلیل این تمرکز گسترده بر مسائل آموزشی آن است که در آغاز طراحی و تولید موک تابه‌حال، آموزش گسترده‌ترین هدف آن بوده است و بنابراین پژوهشگران نیز بیشتر بر مسائل آموزشی و پداگوژیکی موک بیشتر از سایر جنبه‌ها پرداخته‌اند. فقط 4 پژوهش از منظر اقتصادی به موک نگریسته‌اند. پژوهش‌هایی که چنین نگاهی را اتخاذ کرده‌اند بیشتر بر درآمدزایی دوره‌های موک، افزایش توان تولید شرکت‌کنندگان، افزایش و ارتقای مهارت‌های کارآفرینی شرکت‌کنندگان و تجاری‌سازی دوره‌های آموزشی موک تمرکز کرده‌اند. البته با توجه به این‌که دوره‌های موک غالباً فراگیر است که برای دسترسی و شرکت در دوره‌های آن نیازی به ثبت‌نام رسمی و حتی پرداخت شهریه نیست،

جنبه‌های اقتصادی موک نیز کمتر در تحقیقات برجسته شده است. 4 پژوهش نیز از دیدگاه مدیریتی به موک نگریسته‌اند که بیشتر بر موضوعاتی مانند چگونگی جذب و نگاه داشت اساتید و دانشجویان در دوره‌های موک تمرکز کرده‌اند. در نهایت تنها 2 پژوهش نگاهی کاملاً متفاوت با بافت موضوعی تحقیقات موک داشته‌اند و توانسته‌اند مسئله‌های اجتماعی موک را برجسته‌تر کنند که یکی از این پژوهش‌ها، بر این نکته متمرکز شده است که آیا موک می‌تواند به دانش‌آموزان محروم و فقیر جامعه کمک کند تا تحرک اجتماعی بیشتری داشته باشند و دیگری نیز به بررسی میزان اثربخشی دوره‌های موک در پیشگیری از ابتلا به ویروس ابولا پرداخته است. تمامی این یافته‌ها نشان می‌دهد که تنوع موضوعی در تحقیقات موک ضعیف و تمرکز بیشتر محققان بر مسائل آموزشی بوده است که البته ضمن این‌که این مسئله بسیار ارزشمند است اما لازم است از زوایا و نگاه‌های دیگری نیز به موک پرداخته شود.

گزاره‌های پژوهش

در تحقیقات انجام شده در حوزه موک، 48 گزاره در قالب سؤالات و فرضیات پژوهشی مطرح شده است که در جدول 6 نمایش داده می‌شود.

جدول 6: سنخ‌شناسی گزاره‌های پژوهش

درصد	فراوانی	نوع گزاره	
18/75٪	9	چیستی	سؤال
0	0	چرایی	
4/16٪	2	چگونگی	
0	0	رابطه‌ای	فرضیه
77/08٪	37	تأثیر و تأثر	
	26 تحقیق	بدون سؤال یا فرضیه	

نمی‌شود؛ اما با تحلیل دقیق آن تحقیق، می‌توان نظریه ورای آن تحقیق را کشف کرد. در برخی دیگر از آثار نیز به صورت مستقیم جهت‌گیری یا موضع‌گیری نظری پژوهشگر مطرح شده و بر اساس آموزه‌های آن نظریه، پژوهش انجام می‌شود. در نهایت، برخی دیگر از تحقیقات نیز به گونه‌ای هستند که در بردارنده هیچ آموزه نظری خاصی نیستند نه به صورت مستقیم و شفاف و نه به صورت غیرمستقیم. جدول زیر بیانگر مبانی نظری مورد استفاده در تحقیقات موک است.

جدول بالا نشان می‌دهد که 77/08 درصد از گزاره‌های مطرح شده از نوع فرضیه‌های تأثیر و تأثر بوده‌اند که به رابطه علت و معلولی بین متغیرها می‌پردازد؛ اما 26 تحقیق از 40 پژوهش بررسی شده اساساً هیچ‌گونه گزاره پژوهشی مطرح نکرده‌اند.

جهت‌گیری نظری

اساسی‌ترین اقدام در فراتحلیل کیفی، کشف و استخراج تئوری مشترک در مطالعات مورد بررسی است (ذاکر صالحی، 1388). در برخی از آثار، تئوری مستقیم یا شفافی که نشان از موضع‌گیری پژوهشگر باشد، یافت

جدول 7: مبانی نظری مورد استفاده

درصد	فراوانی	جهت‌گیری نظری پژوهش	
12/5٪	5	مستقیم و شفاف	نظریه ساختارگرا
2/5٪	1	غیرمستقیم	
42/5٪	17	مستقیم و شفاف	نظریه پیوندگرا
7/5٪	3	غیرمستقیم	
2/5٪	1	مستقیم و شفاف	نظریه انتقادی
0	0	غیرمستقیم	
30٪	12	تحقیق کیفی	بدون مبانی
2/5٪	1	تحقیق کمی	نظری

استفاده کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، از 28 پژوهش کمی، 27 مورد از آنها در بردارنده آموزه‌های نظری خاصی بوده‌اند و یک تحقیق نیز فاقد هرگونه موضع‌گیری یا

یافته‌های ارائه شده در جدول بالا نشان می‌دهد که از 40 تحقیق انجام شده 27 تحقیق در بردارنده آموزه‌های نظری خاصی بوده‌اند که تمامی آنها از رویکرد کمی

آموزه نظری خاصی بوده است و تنها مؤلفه‌ها و متغیرهایی را از مباحث مختلف گرفته و باهم ترکیب کرده است. در این میان، 6 تحقیق به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از پارادایم ساختارگرایانه استفاده کرده‌اند و 20 تحقیق نیز از پارادایم پیوندگرایانه و تنها یک تحقیق از نگاه انتقادی استفاده کرده است. این نکته نشان می‌دهد که به زعم نویسندگان و پژوهشگران این حوزه، طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی از طریق موک مستلزم ایجاد تحول در پارادایم‌های سنتی و ساختارگرایانه و حرکت به سمت فراگیرمحوری، تعاملات اجتماعی، خلق دانش و فعالیت دانشجو است. با این اوصاف، مشخص است که با حاکم بودن نگاه ساختارگرایانه، رسالت موک به خوبی اجرا نمی‌شود و نمی‌توان به آرمان‌ها و اهداف دوره‌های آن جامه عمل پوشاند. علاوه بر آن، همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، 12 پژوهش از 40 پژوهش بررسی شده، پژوهش کیفی بودند که ماهیتاً فاقد هرگونه موضع‌گیری یا جهت‌گیری نظری هستند بدین معنی که در ابتدا

انتظار نمی‌رود که پژوهشگر موضع نظری خاصی را اتخاذ کند. بلکه باید بدون جهت‌گیری‌های نظری در میدان پژوهش قرار گرفته و از دل کار پژوهش مدل یا نگاه نظری در پایان پژوهش استخراج شود.

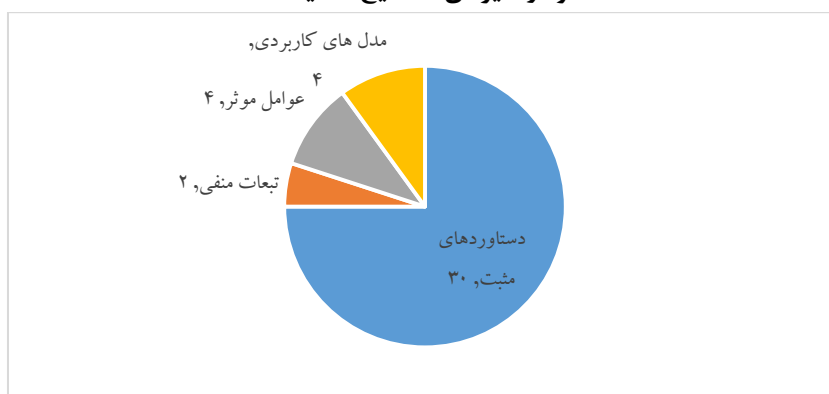
نتایج

تمامی نتایجی که از تحقیقات موک استخراج شده‌اند را می‌توان در چند دسته طبقه‌بندی کرد: 1. یک دسته از نتایج این تحقیقات بر دستاوردهای مثبت موک در زمینه‌های اجتماعی، آموزشی و اقتصادی پرداخته‌اند؛ 2. دسته دیگر شامل تحقیقاتی هستند که نتایج به دست آمده از آن تبعات منفی یا نقاط ضعف موک را نشان داده‌اند؛ 3. عده دیگری از نتایج تحقیقات، عواملی را برجسته کرده‌اند که بر موفقیت موک در زمینه‌های مختلف می‌تواند تأثیرگذار باشد و در نهایت 4. برخی از نتایج تحقیقات، مدل‌ها یا سازوکارهایی ارائه کرده‌اند که باعث موفقیت بیشتر موک می‌شود. جدول زیر سیمای نتایج به دست آمده از این تحقیقات را نشان می‌دهد.

جدول 8: نتایج

درصد	فراوانی	نتایج
75%	30	دستاوردهای مثبت
5%	2	تبعات منفی و نقاط ضعف
10%	4	عوامل مؤثر بر موفقیت موک
10%	4	مدل‌هایی برای موک
	40	تعداد کل

نمودار دایره‌ای 5: نتایج تحقیقات



رهایی قشر محروم و ضعیف کمک کند و یکی دیگر از پژوهش‌ها نیز نشان داده است که موک در مقایسه با کلاس‌های سنتی، کیفیت کمتری را دارا است. از دیگر سو، نتایج 10 درصد از این پژوهش‌ها نیز عوامل مؤثر بر موفقیت موک در زمینه‌های مختلف را برجسته کرده‌اند که نکته شگفت‌انگیز در آن این است که تمامی این تحقیقات بر ارتباط و توانایی تعامل در موک به‌عنوان عامل موفقیت در موک اتفاق نظر داشته‌اند.

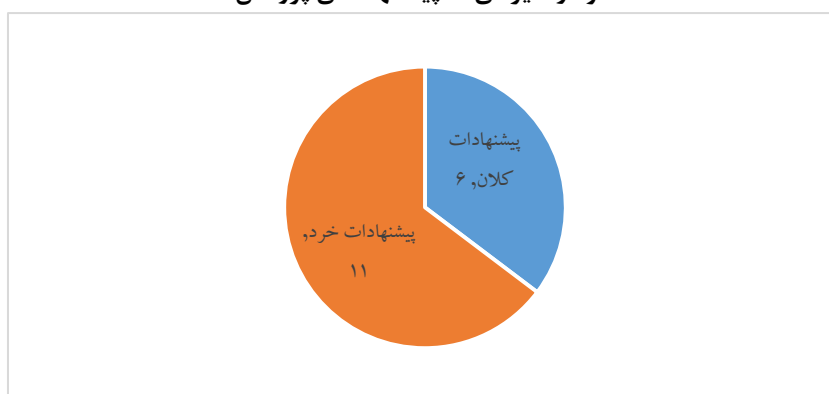
پیشنهادها

در پایان برخی از پژوهش‌ها نیز پیشنهادهایی مطرح می‌شد که در کل 17 پیشنهاد پژوهشی مطرح شد که در جدول زیر ارائه شده است.

جدول 9: پیشنهادها

پیشنهادها	فراوانی	درصد
پیشنهادهای کلان	6	35/2٪
پیشنهادهای خرد	11	64/7٪
تعداد کل	17	
بدون پیشنهاد	23	

نمودار دایره‌ای 6: پیشنهادهای پژوهش



آموزشی مؤسسات آموزشی و یا بازنگاری‌های جزئی در ارزشیابی بوده است و کمترین پیشنهادها متوجه پیشنهادهای کلان یعنی تغییر رویکرد حاکم بر سیاست‌گذاری موک چه در سطح موسسه و چه فراتر از

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، 75 درصد از پژوهش‌های موجود نشان داده‌اند که موک دستاوردهای مختلفی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی دارند که این نشان می‌دهد که نه فقط موج فکری گسترده‌ای در جهان برای کاربست و استفاده فزاینده از موک شکل گرفته است بلکه واقعیت نیز گویای دستاوردهای مثبت آن است و همین نکته از طرف دیگر زمینه‌ساز افزایش آن علاقه و تمایل به موک می‌شود. البته در این میان دو تحقیق نیز از تبعات منفی موک پرده برداشته‌اند که یکی از آنها نشان داده است که موک بیشتر برای دانش‌آموزان و دانشجویان طبقه متوسط جامعه مناسب بوده است و چندان نتوانسته است به

همان‌گونه که مشاهده می‌شود غالب پیشنهادهایی که در تحقیقات موک مطرح شده است، پیشنهادهای خردی بوده‌اند که بر تغییر برخی از سازوکارها یا روش‌های تدریس در موک، اصلاح و تغییر برخی از برنامه‌های

آن بوده است. این نشان می‌دهد که فلسفه زیربنایی و هستی‌شناسانه موک در کشورها و میدان‌هایی که پیاده و اجرا شده‌اند، درک شده است و اگر بخش‌هایی نیاز به اصلاح و بازنگری دارد، فلسفه‌ها و یا رویکردهای سیاست‌گذاری کلان نیست بلکه با تغییراتی جزئی در سرفصل برنامه‌ها و یا محتوای دوره‌ها می‌توان به سطح مطلوب دست یافت.

بحث و نتیجه‌گیری

موک نه فقط به‌عنوان یک ابزار آموزشی برخط توانسته است به جایگاه ارزشمندی در دنیای آموزش و یادگیری برسد بلکه به‌عنوان یک موج فکری نیز شناخته شده است که توجه بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. هرچند این مسئله در ایران قابل‌تردید است چراکه نه فقط موک به‌عنوان یک ابزار آموزشی غالب مورد استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه تاکنون هیچ پژوهشی در ارتباط با کم و کیف این مسئله انجام نشده است؛ اما برای استقرار اثربخش این سیستم در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی باید دیدگاه جامعی از وضعیت آن در سایر کشورها به دست آورد. پژوهش حاضر درصدد بود تا با فراتحلیل کیفی 40 پژوهش در این رابطه به دیدگاه جامعی دست یابد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که پژوهش‌های انجام شده هم از حیث ساختاری و روش‌شناختی و هم از حیث محتوایی دارای ویژگی‌های برجسته‌ای بودند که باید مدنظر قرار داد.

از نظر ساختاری، یافته‌ها نشان داد که تحقیق درباره موک اگرچه پدیده جدیدی است اما هرساله سیر صعودی داشته و شمار پژوهش‌هایی که به آن اختصاص داده می‌شود تحسین‌برانگیز بوده است. از طرف دیگر، اگرچه که مقاله‌های علمی پژوهشی فراوانی به بررسی موک پرداخته‌اند اما تنها 15٪ از این تحقیقات مربوط به پایان‌نامه است که نشان از آن است که این موضوع تاکنون نتوانسته است جایگاهی جدی در رساله‌های علمی و دانشگاهی پیدا کند. البته یک بخش از این مسئله می‌تواند ناشی از این باشد که موک بیشتر توانسته است

توجه اساتید و اعضای هیئت‌علمی را به خود جلب کند تا دانشجویان و حتی پژوهشگران آزاد و بنابراین، امکان طرح مسئله‌های مربوط به موک در رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها به‌مراتب کمتر می‌شود. از نظر روش‌شناختی نیز یافته‌ها نشان داد که غالب تحقیقات انجام شده از رویکرد کمی، پرسشنامه و ابزارهای تحلیل کمی استفاده کرده‌اند که نشان از حاکم بودن رویکرد اثبات‌گرایانه در پژوهش‌های انجام شده است. البته و به‌گمان پژوهشگر، تناقضی در این مسئله دیده می‌شود. بدین معنی که غالب پژوهشگران از نگاه نظری پیوندگرایی استفاده کرده‌اند که بر تعاملی بودن جریان دانش، خلق دانش توسط مشارکت‌کنندگان، آزادی، فعالیت و انتخاب دانشجو تأکید داشته‌اند که از نظر پژوهشی چنین ایده‌های بیشتر بازتاب‌دهنده رویکرد کیفی است اما در عمل و در مقام پژوهشگر، آن پژوهشگران از رویکرد کمی استفاده کرده‌اند که این خود تأمل‌برانگیز بوده و لازم است با روی آوردن هر چه بیشتر محققان به تحقیقات کیفی، این تناقض را حل و رفع کنند.

از نظر محتوایی نیز یافته‌های این پژوهش نشان داد که تنوع موضوعی در این پژوهش‌ها بسیار کم است و اکثر پژوهش‌ها بیشتر بر مسائل آموزشی متمرکز شده‌اند و کمتر بر مسائل مدیریتی، اقتصادی و حتی پی‌آمدهای اجتماعی تمرکز کرده‌اند. این مسئله باعث می‌شود تا برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران مربوط در نیل به جامع‌نگری‌های لازم با مشکل مواجه شوند. گزاره‌های پژوهشی این تحقیقات نیز بیشتر از نوع فرضیه و آن هم فرضیه‌های تأثیر و تأثر بوده‌اند. همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، بیش از نیمی از پژوهش‌های بررسی شده در این فراتحلیل از پارادایم پیوندگرایانه استفاده کرده‌اند که این خود این مسئله را القا می‌کند که اگر نظام آموزشی و آموزش عالی کشورمان درصدد پیاده‌سازی و کاربست موک در آموزش‌های خود است لازم است تا نگاه ساختارگرایانه و سنتی خود را تغییر داده و امکان‌گفتمان، خلق دانش، فعالیت دانشجو و ارزیابی‌های باز از

- <http://www.skilledup.com/blog/the-best-mooc-provider-a-review-of-coursera-udacity-and-edx/>.
- Siemens, G. (2013). What is the theory that underpins our MOOCs? <http://www.elearnspace.org/blog/2012/06/03/what-is-the-theory-that-underpins-our-moocs>.
- Smutz, W. (2013). MOOCs Are No Education Panacea, but Here's what can Make Them Work. *Forbes*. Retrieved from <http://www.forbes.com/sites/forbesleadershipforum/2013/04/08/moocs-are-no-education-panacea-but-heres-what-can-make-them-work/?cid=dlvr.it>.
- Tess, P, A. (2013). The role of social media in higher education classes (real and virtual) – A literature review. *Computer in human behavior*, 29, 60-68.
- Timulak, L. (2009). Meta-analysis of qualitative studies: A tool for reviewing qualitative research findings in psychotherapy. *Psychotherapy Research*, 19:4-5, 591-600.
- Tschofen, C., & Mackness, J. (2012). Connectivism and dimensions of individual experience. *International Review of Research in Open and Distance Learning*, 13(1). Retrieved from <http://www.irrodl.org/index.php/irrodl/article/view/1143/2086>.
- Valimaa, J., & Ylijoki, O. (2008). *Cultural perspectives on higher education*. University of Tampere Finland.
- Zimmerman, L. (2011). Critical Importance of Social Interaction in Online Courses. *ETC Journal*. Retrieved from: <http://etcjournal.com/2011/01/02/7050/>.
- طریق بازننگری در سیاست‌ها و رویکردهای موجود را فراهم کنند. این در حالی است که 75 درصد از یافته‌های به دست آمده از این پژوهش‌ها بر اثرات مثبت و نقاط قوت موک در زمینه‌های مختلف آموزشی، اقتصادی و اجتماعی مهر تأیید گذاشته‌اند. در نهایت، پیشنهادهایی نیز مطرح شد که غالب آنها در سطح خرد و مربوط به تغییرات و بازننگری‌های جزئی محتوا، ارزشیابی و دوره‌های آموزشی بوده‌اند.
- منابع**
- Seraji,F.Attarn,M.Aliasgari,M. (1387). A Study of Characteristics of Curriculum Design in Iranian Virtual Universities and its Comparison with the Model of Virtual University Curriculum Development. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*.No.50.pp97-118.
- Zaker salehi,Gh.R(1386).A meta-analysis of studies on attracting elites and preventing them from migrating.The Journal of Iran Sociology.No.1, Vol8,pp113-135.
- Drlik,M; Skalka,A. (2011).Virtual faculty development using top-down implementation strategy and adapted EES model. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 28, 616 – 621.
- Kaplan, A, M and Haenlein, M. (2016). Higher education and the digital revolution: About MOOCs, SPOCs, social media, and the Cookie Monster. *Business horizons*, 59, 441-450.
- Kop, R. (2011). The challenges to connectivist learning on open online networks: Learning experiences during a massive open online course. *International Review of Research in Open and Distance Learning*, 12(3). Retrieved from <http://www.irrodl.org/index.php/irrodl/article/view/882>.
- Lederman, D. (2013). Expanding Pathways to MOOC Credit. *Inside Higher Education*. Retrieved from <http://www.insidehighered.com/news/2013/02/07/ace-deems-5-massive-open-courses-worthy-credit>.
- Moore, R. (2004). *Education and society: issues and explantation in the sociology of education*. London: polity publication.
- Round, C. (2013). The Best MOOC Provider: A Review of Coursera, Udacity and edX. *Skilledup.com*. Retrieved from